اصول و مبانی نظری برپایی حکومت اسلامی

اصول و مبانی نظری برپایی حکومت اسلامی

حجت الاسلام سید جلال میر آقایی

بسم الله الرحمن الرحیم

تبیین فلسفه سیاسی اسلام و پایه های تئوریک حکومت اسلامی، از موضوعات مهمی است که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کمتر بدان پرداخته شده است.

پیروزی انقلاب مقدس اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی «قدس سره»، اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی رهائیبخش و نظام جامع حکومتی در صحنه سیاسی دنیا مطرح و توجه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان را به ابعاد فراموش شده آن جلب کرد. تحقیقات بسیار و کتب بی شماری امروزه در سراسر دنیا در شناخت اندیشه های سیاسی اسلام چاپ ومنتشر شده است، با اینهمه هنوز زوایای تاریک بسیاری باقی مانده که متفکران روشن بین و علمای آگاه باید بدان توجه کرده و به تبیین دیدگاهها و برداشتهای خود در این مسائل بپردازند.

آنچه حائز اهمیت است آنکه، در ارائه دیدگاههای سیاسی و فکری اسلام همواره باید زبان علمی روز مد

نظر باشد تا نوعی گفتگو و تفاهم صمیمانه وجدی بین دانش آموختگان مراکز علمی جدید و علما و اندیشمندان حوزه های دینی بر قرار گردد.

نسل سرگردان بشر امروزی، خسته از مکتبها و ایدئولوژیهای دست ساز بشر، خود را در مقابل بن بست مایوس کننده ای می بیند که نظامهای بشری برایش به وجود آورده است. اندیشه سیاسی اسلام که مادیت زندگی و توسعه و سازندگی را با اخلاق، معنویت و دلداگی به کانون مطلق هستی همراه کرده روح تشنه انسانهای عصر ما را سیراب از ایمان، اطمینان و آرامش می سازد.

پیروزی انقلاب اسلامی و تاثیری که در دنیای معاصر گذاشت موجب روی آوری میلیونها انسان در شرق و غرب عالم به دین و معنویت شد. این امر مسئولیت علما را در طرح دوباره اندیشه های تابناک اسلام مضاعف می سازد.

«حکومت اسلامی» و لزوم برپایی آن، بر پایه های علمی، فلسفی و حقوقی استواری مبتنی است که نیازمند توضیح و تبیین است. این پایه ها از متن جهان بینی و ایدئولوژی اسلام بر آمده و با اندک تاملی بر مفاهیم ارزشی و اعتقادی اسلام قابل اثبات است. ویژگیهای این دین مقدّس و اهدافی که خداوند از بعثت رسل و انزال کتب در قرآن بیان فرموده هر کدام اقتضا می کند که برای دست یابی به آن، نظام سیاسی خاص اسلام برپاگردد. در غیر این صورت این دین ناقص و در وصول به اهدافش ناتوان خواهد بود.

با اینهمه ممکن است کسانی از روی غفلت، ساده انگاری و عدم شناخت صحیح از این شریعت آسمانی، بعد سیاسی آن را انکار نمایند. یا تحت تاثیر القاءات دشمنان دنیا طلب و قدرتهای طاغوتی و به طمع رسیدن به نام و نان بر آن سرپوش گذارند.

مقاله زیر بر آن است تا با بیانی ساده و به اختصار، با استدلال بر مفاهیم قرآنی و ویژگیهای جهان بینی اسلام، وجود یک «نظام حکومتی عادلانه» ولزوم تلاش مسلمانان در برپایی آن را اثبات کرده ریشه های فکری و مبانی اعتقادی آن را توضیح دهد.

لازم به توضیح است برخی از این اصول را از اهداف حکومت اسلامی نیز می توان بر شمرد ولی از آنجا که در یک نگرش کلی، تحت عنوان فلسفه دین و اهداف بعثت انبیاء در قرآن مجید عنوان شده اند تنها راه وصول به آن برقراری حکومت دینی است. لذا ما همه آنها را اصول و مبانی برپایی حکومت اسلامی دانسته به شرح و توضیح آن می پردازیم. مبنای همه این اصول به یک اصل کلی و زیربنایی بر می گردد و آن جامعیت دین اسلام است.

اسلام در عقیده مسلمانان با کلیه ادیان الهی تفاوت دارد. البته این صحیح است که همه ادیان آسمانی از یک سرچشمه و منبع نشات می گیرند ولی به علل گوناگون خداوند متعال ادیان گذشته را در برابر اسلام با جامعیت کمتری نازل کرده است.

خصوصیات جوامع قبلی - ویژگیهای منطقه نزول دین و بعثت پیامبران، رشد نایافتگی انسانها و... موجب شده است تا هر یک از انبیاء برای علاج برخی نابسامانیهای فکری - فرهنگی و اخلاقی موجود در جامعه خود آموزشهایی را مطرح سازند. لیکن پیامبر گرامی اسلام که بر کافه انسانها تا پایان جهان مبعوث شده است، دینی را برای بشر به ارمغان آورد که در تمام زمینه های فردی - اجتماعی، مادی، معنوی، فکری - علمی، عبادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... پیام الهی را به بشر رسانده متکفل پاسخگویی به تمامی نیازهای او در ابعاد گوناگون زندگی است.

نگاهی گذرا به آیات کلام الهی، و مروری بر عناوین کتب فقهی و روایی نشان می دهد که در تمام زمینه های فوق این مکتب حیاتبخش دارای حرف و سخن بوده، مقررات گسترده ای را وضع کرده است.

اسلام یک نظام کامل عبادی است که توحید وپرستش رادر ناب ترین چهره و سیمایش ارائه کرده پیوند معنوی بین انسان و خدا را برقرار می سازد.

تربیت انسانها و تکامل معنوی آنها در اسلام به گونه ای برنامه ریزی شده که در

صورت عمل، و رعایت موازین و ارزشهای آن کلیه استعدادهای بشری شکوفا شده و به بار می نشیند. حاصل نظام تربیتی اسلام، فلاح و رستگاری ورسیدن به سعادت دنیوی و اخروی پیروان این دین می باشد.

نظام اقتصادی اسلام در تمامی زمینه های مالکیت، کار، سرمایه، تجارت، صنعت، منابع ثروت، معادن زیر زمینی و روی زمینی دارای برنامه و قوانین شفاف و روشن است مالیاتهای اسلامی از خمس، زکات، جزیه - خراج و... تامین کننده منابع مالی برای اداره جامعه اسلامی است.

نظام قضا و دادگری جهت حل و فصل خصومات واحقاق حق مظلومان از گسترده ترین جوانب شریعت مقدس بوده، عهده دار ایجاد امنیت و ثبات در بین مسلمانان است. دستورات گسترده اخلاقی، آداب و رسوم اجتماعی، مستحبات و مکروهات در خوراك، پوشاک و سایر شئون زندگی، آئین بهزیستی کاملی است که سلامت جسمی و روانی پیروان اسلامی را تامین می کند.

وبه طور کلی مجموعه آداب، مناسك، قوانین و دستور العملها منظومه کاملی است از یک ایدئولوژی جامع الاطراف، هماهنگ و کامل که عهده دار اداره کلیه شئون زندگی بشری است.

1 ـ عدم جدایی دین از سیاست

نتیجه ای که از مقدمه بحث گرفته می شود، با توجه به مطالعه تاریخ اسلام و رفتار رهبران این دین نشاندهنده آن است که در این آئین مقدس سیاست و کشور داری جزیی از دین بوده و از آن جدایی نا پذیر است.

چنان دین و دولت به یکدیگرندتوگویی که از بن زیک مادرند

سیاست از شؤون جامعه انسانی است. بدون وجود یک حکومت مقتدر، پیاده

کردن همه ابعاد اسلام به گونه ای که توضیح داده شد، امکان ناپذیر است. هر انسان اندیشمند و منصفی با اندک مطالعه در قوانین، مقررات و نظامات اسلامی تصدیق خواهد کرد که چنین مجموعه منسجمی نمی تواند در مورد رهبری، حکومت و اداره سیاسی جامعه بی نظر باشد.

تاریخ پر افتخار اسلام هم از همان آغاز نشان داده است که تفکیک رهبری سیاسی و رهبری دینی در اسلام امری مردود و انحرافی تلقی می شده است.

پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدا صلی ا علیه وآله وسلم اولین بینانگزار دولت اسلام در مدینه منوره است و خود شخصا به رتق و فتق امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان می پرداخت. والی تعیین می کرد، برای مبارزه بادشمنان اعلام بسیج عمومی کرد و سپاه اعزام می داشت، حتی در بسیاری از جنگها شخصا شرکت کرده و فرماندهی آن را بر عهده می گرفتند. اعزام سفیر، عقد قرارداد همکاری، صلح، آتش بس با همسایگان، دشمنان، اقوام و قبایل نیز امری است که توسط پیامبر اسلام انجام می شده و صفحات تاریخ مشحون است از نقل اینگونه رویدادها.

خلفای پس از پیامبر و نیز ائمه اهل بیت، حکومت را جزوی از دیانت دانسته و هر کدام که به قدرت می رسیده اند، رهبری جامعه اسلامی و دخالت در سیاست را به عنوان وظیفه ای دینی و اسلامی بر و عهده گرفته و در مقابل سختیها و زحمات آن امید ثواب و پاداش از خداوند متعال داشته اند.

2 ـ قانونگذار خداست

از باورهای خدشه ناپذیر مسلمانان که از منشا وحی الهی و آیات قرآن مجید سرچشمه می گیرد انحصار قانونگذاری در دست خداوند متعال است.

﴿... وَمَن لَّمْ یَحْکُم بِمَا انزَلَ اللّهُ فَاوْلَئِک هُمُ الْکَافِرُونَ﴾ (سوره مائده: 44)

﴿... وَمَن لَّمْ یَحْکُم بِمَا انزَلَ اللّهُ فَاوْلَئِک هُمُ الظّالِمُونَ﴾ (سوره مائده: 45)

﴿... وَمَن لَّمْ یَحْکُم بِمَا انزَلَ اللّهُ فَاوْلَئِک هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (سوره مائده: 47)

هر کس به غیر قانون نازل شده از سوی خدا حکم کند کافر، ظالم و فاسق است.

این اندیشه قاطع و خلل ناپذیر هرگونه قانون وضعی بشری را مردود دانسته، تنها قوانین نشات گرفته از وحی الهی را به رسمیت می شناسد.

و نیز مسلمانان در مقابل قوانین و دستورات خداوند متعال و پیامبر او حق سرپیچی نداشته، ملزم به

فرمانبری هستند.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ اذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ امْرًا ان يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ امْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (سوره احزاب: 36).

هیچ مرد و زن مؤمن را در کاری که خدا و رسول حکم کنندارادە و اختیاری نیست و هرکس نافرمانی خدا و رسول کند، به گمراهی آشکار دچار شده است.

باز در جای دیگر می فرماید: ﴿يَا دَاوُودُ انَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِى الْارْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ انَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (سوره ص: 26).

میان مردم به حق (قوانین و مقررات الهی) حکم کن و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه کند. آنان که از راه خدا گمراه شوند بر آنان عذابی شدید است چون روز حساب را فراموش کرده اند.

براساس این باور دینی، تمامی حکومتهای لائیک و غیر دینی، غیر شرعی بوده و طاغوت هستند. وبر کلیه مسلمانان است که از فرمان آنها سرپیچی کرده و به مبارزه با آنان بپردازند.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِى كُلِّ امَّةٍ رَّسُولاً انِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلالَةُ فَسِيرُواْ فِى الارْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (سوره نحل: 36).

در میان همه امتها پیامبرانی فرستادیم تا شما خدا را پرستش کرده و از طاغوت

دوری گزینید.

خداوند متعال لازمه پرستش خود را اجتناب از اطاعت طاغوتها دانسته، در حقیقت بدون در گیری با حکام، پادشاهان و قدرتمندانی که به قوانینی جز دین و شریعت الهی فرمان می دهند و عمل می کنند توحید و پرستش خداوند نیز کامل نیست. سراسر تاریخ بشریت نشاندهنده مبارزه بی امان انبیاء، اولیاء و رهبران راستین دینی با اندیشه های شرک آمیز و حاکمیتهای غیر دینی بر جوامع بشری است.

حاکمیت قوانین الهی و دستورات آسمانی بدون استقرار قوه اجرایی دینی و به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط رهبران دینی امکان پذیر نیست.

3 ـ لزوم اقامه قسط و عدل

یکی از اهداف بزرگ و مهمی که در قرآن مجید برای ارسال رسل و انزال کتب بیان شده است، اقامه عدل و قسط در جامعه است.

﴿لَقَدْ ارْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَانزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَانزَلْنَا الْحَدِیدَ فِیهِ بَاسٌ شَدِیدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِیَعْلَمَ اللَّهُ مَن یَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَیْبِ انَّ اللَّهَ قَوِی عَزِیزٌ﴾ (سوره حدید: 25).

هر آینه ما پیامبر انمان را با دلایل و براهین روشن و روشنگر فرستاده با آنان کتاب و میزان را همراه کردیم تا مردم به عدالت و دادگری بپاخیزند. و آهن رافرو فرستادیم که در آن صلابت و سختی شدید و سودهایی برای انسانها است.

﴿... وَانْ حَکَمْتَ فَاحْکُم بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ﴾ (سوره مائده: 42).

هر گاه بین مردم حکم راندی به عدالت رفتارکن.

﴿... وَاذَا حَکَمْتُم بَیْنَ النَّاسِ ان تَحْکُمُواْ بِالْعَدْلِ...﴾ (سوره نساء: 58).

هرگاه بین مردم حاکمیت یافتید عدالت پیشه کنید. تحقق این هدف عالی وغایی برای دین و انبیاء فقط

از راه برپایی حکومت دینی و عادلانه امکان پذیر است.

این غیر ممکن و محال است که قدرت اجرایی و دنیایی دردست دیگران باشد !

سیاست، اقتصاد، تبلیغات، فرهنگ و همه اهرمهای حکومتی توسط طاغوتها اداره شودا! با اینهمه انبیاء و رهبران الهی مامور اقامه قسط و عدل باشند.

هرگونه اقدامی از سوی رهبران دینی جهت تحقق این اهداف والا مستلزم تلاش جهت حاکمیت سیاست الهی و برقراری نظام دینی در بین پیروان است.

4 ـ برقراری توازن و اعتدال در شئون مختلف زندگی بشر

از ویژگیهای اسلام دعوت به میانه روی و اعتدال است. ادیان و مکتبهایی که دارای جامعیت و شمول نیستند، عمدتاً عهده دار یک یا چند بعد از ابعاد زندگی انسان هستند واغلب سر از افراط و تفریط در می آورند. یکی دنیا گرا می شود و پیروانش راسراسر به تلاش و فعالیت اقتصادی، جنگ، مبارزه و کشورگشایی دعوت کرده، سایر جنبه های معنوی و مسائل اخروی را فراموش کرده یا کمرنگ جلوه می دهند.

در مقابل برخی دیگر از مکاتب فقط به امور اخلاقی و معنوی تکیه کرده تنها در فکر آباد کردن آخرت انسانها هستند. این مکتبها سایر شئونات انسانی را به کنار نهاده، ایجاد عدالت، آزادی، تامین رفاه و آسایش دنیایی و... را به طاق نسیان می سپرند.

دعوت به ایجاد تعادل و توازن بین دنیا و آخرت، مادّیت و معنویت، مسائل فردی و اجتماعی، پیشرفت در امور زندگی وتوسعه اقتصادی باگسترش ارزشهای اخلاقی، زهد، ایثار و کمک به همنوع، از جمله آموزشهایی است که در قرآن مجید مطرح شده است:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ امّةً وَسَطًا لِّتَكُونُواْ شُهَدَاء عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنتَ عَلَيْهَا الاَّ لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَان كَانَتْ لَكَبِيرَةً

الاّ َ عَلَی الّ َذِینَ هَدَی اللّهُ وَمَا کَانَ اللّهُ لِیُضِیعَ ایمَانَکُمْ انّ َ اللّهَ بِالنّ َاسِ لَرَؤُوفٌ رّ َحِیمٌ (سوره بقره: 1 43).

وما اینچنین شما مسلمانان را امت میانه و معتدل قراردادیم تاگواه مردم باشید همانگونه که پیامبر گواه و الگو برای شما است.

... رَبّ َنَا آتِنَا فِي الدّ ُنْیَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّ َارِ (سوره بقره : 201).

پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطاکن و ما را از عذاب آتش نگهدار.

وَابْتَغِ فِیمَا آتَاکَ اللّ َهُ الدّ َارَ ا ْلآخِرَه وَ َلا تَنسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدّ ُنْیَا وَاحْسِن کَمَا احْسَنَ اللّ َهُ الَیْکَ وَ َلا تَبْغِ الْفَسَادَ فِی ا ْلارْضِ انّ َ اللّ َهَ َلا یُحِبّ ُ الْمُفْسِدِینَ (سوره قصص: 77).

در آنچه خداوند به تو داده آخرت را طلب کن و بهره خویش را از دنیا نیز فراموش مکن.

ودر حدیث منقول از امام باقر علیه السلام آمده است:

لیس منا من ترک دنیاه لاخرته ولا آخرته لدنیاه (وسائل الشیعه: ج 4).

هر کس دنیایش را به خاطر آخرت یا آخرتش را به خاطر دنیا رها سازداز ما نیست.

روح توازن و تعادل که نصوص فوق بر آن دلالت دارد همچون خونی در رگهای این دین شریف ساری و جاری است و قوانین آن عهده دار تنظیم زندگی انسانها است، به گونه ای که هدف فوق را قابل دسترس قرار دهد.

اگر این دعوت عام تنها شامل زندگی فردی انسانها و بعد اخلاقی آنها بود، شاید با نصیحت و پند و اندرز قابل تامین می بود ولی چنانچه همه شئون زندگی را در بر گرفته و بخواهد چون روحی حاکم بر اندیشه و عمل مسلمانان شده در کلیه جوانب زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها توازن و

تعادل ایجاد کند، مستلزم حکومتی است با همین مشخصه که در برنامه ریزیهای خرد و کلان خویش کلیت جامع را بدان سمت و سو سوق دهد، تا «امت وسط» تحقق یافته، الگو و سرمشق سایر امم گردد.

5 ـ حاکمیت ا

خلقت آسمان و زمین و آنچه در آن است به مشیّت و قدرت خداوند متعال است. انسان نیز یکی از آفریده های حق تعالی است. اصل اوّلیه آن است که همه موجودات حاکم بر سرنوشت خویش باشند و کسی را حق تصرف و اراده دخالت و تصمیم گیری در سرنوشت دیگری نباشد.

اما خداوند متعال که همه هستی حقیقتاً به او وابسته و مخلوق اوست مالکیت حقیقی بر همه اشیاء و از جمله بر انسان دارد.

وَلِلّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الارْضِ وَکَانَ اللّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ مُّحِیطًا (سوره نساء: 126).

آنچه در آسمان و زمین است از آن خداوند است و اوبر همه چیز احاطه دارد.

قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللّهِ لا یَمْلِکُونَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَلا فِی الارْضِ وَمَا لَهُمْ فِیهِمَا مِن شِرْکٍ وَمَا لَه مِنْهُم مِّن ظَهِیرٍ (سوره سبا: 22).

بگو آنهایی را که به جز خدا مؤثر در هستی می دانید بخوانید، هیچیک به اندازه ذره نا چیزی در آسمانها و زمین مالک نیستند.

مالکیت حقیقی خداوند بر هستی، موجب حاکمیت مطلق او بر کل جهان از جمله بر انسان خواهد بود:

... انِ الْحُکْمُ الاّ لِلّهِ یَقُصّ الْحَقَّ وَهُوَ خَیْرُ الْفَاصِلِینَ (سوره انعام: 57).

حاکمیت و فرماندهی فقط از آن خداست او به حق دستور می دهد و بهترین حکم فرمایان است.

این حق حاکمیت اعم است از قانونگذاری و تشریع، حق حاکمیت الهی که شعبه ای از توحید است، به معنای انحصار فرمانروایی، ولایت و تصرف در امر آفریدگان است. بنابراین هیچیک از بندگان خدا حق دخالت در قلمرو فرماندهی او را ندارند مگر با اجازه و اذن او، این اذن و اجازه فقط در مورد پیامبران، امامان و عالمان

راستین صادر شده است که منصوب از جانب خدا و پیامبرند وبر طبق قانون و شریعت او حکم به عدالت می رانند:

﴿یَا دَاوُودُ انَّا جَعَلْنَاكَ خَلِیفَه فِی الْارْضِ فَاحْكُم بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلا تَتَّبِعِ الْهَوَی فَیُضِلَّكَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ انَّ الَّذِینَ یَضِلُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ بِمَا نَسُوا یَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (سوره ص: 26).

ای داود ماتو را در زمین خلیفه قرار دادیم. پس بین مردم به حق حکومت کن.

﴿یَا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اطِیعُواْ اللّهَ وَاطِیعُواْ الرَّسُولَ وَاوْلِی الامْرِ مِنكُمْ فَان تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ الَی اللّهِ وَالرَّسُولِ ان كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ ذَلِك خَیْرٌ وَاحْسَنُ تَاوِیلاً﴾ (سوره نساء: 59).

ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرماندارانتان (از طرف خدا ورسول) را اطاعت کنید و چون در چیزی کارتان به گفتگو و نزاع کشید به حکم خدا ورسول بازگردید.

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا اوْ كَفُورًا﴾ (سوره انسان: 24).

بر اطاعت دستور و حکم پروردگار صبور و شکیبا باش و هیچ از مردم بدکار کفر کیش اطاعت مکن.

بنابر آنچه گفته شد، حاکمیت مطلق و حقیقی از آن خداوند متعال است و در اندیشه و تفکر اسلامی هیچ

انسانی حق حکومت بر دیگران و ولایت و تصرف در امور آنان راندارد. تنها حکومت رسمی و مورد قبول در نظام اعتقادی و باورهای اسلامی همان است که از سوی پروردگار تعیین شده و به قانون او عمل نماید. و فقط این حکومت، اسلامی، قرآنی و مشروع است.

6 ـ تشریع جهاد

جهاد فی سبیل ا یکی از مهمترین احکامی است که از طرف خداوند متعال تشریع شده و در قرآن مجید بیش از سی آیه به آن اختصاص یافته است:

یَا ایُّهَا النَّبِی جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَمَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ (سوره توبه: 73).

ای پیامبر باکفار و منافقان جهاد کن وبر آنان سخت بگیر.

دوران پرشکوه ده ساله حکومت پیامبر اکرم در مدینه منوره نیز همراه با دهها مورد جنگ و در گیری مسلحانه با دشمنان بوده است. پس از پیامبر هم در دوره خلفا، جنگهای بسیاری بین مسلمانان و دشمنان اتفاق افتاده است.

در کتابهای فقهی و روایی هم فقها و محدثان فصلی را به «کتاب الجهاد» اختصاص داده درباره احکام مختلف و موارد آن، رفتار با اسرا، غنایم جنگی، آتش بس و مهادنه و... بحث و بررسی کرده اند.

فقهای اسلام در یک تقسیم بندی جهاد را به دو قسم تقسیم می کنند.

1 ـ جهاد ابتدایی و تهاجمی.

2 ـ جهاد تدافعی.

فقهای شیعه جهاد ابتدایی و تهاجمی در زمان غیبت حضرت ولیعصر (عج) را جایز نمی دانند. ولیکن همه

آنان در وجوب جهاد تدافعی با وجود شرایطش اتفاق نظر دارند.

در گذشته روزگار هم که ابزار و اسلحه جنگی به تیر و کمان و شمشیر و امثال آن منحصر بود، آموزش ویا دگیری فنون جنگی یک کار تخصصی بود که نیاز به سازماندهی و تشکیلات داشت، اما امروزه که در سازمانهای نظامی همراه با پیشرفت علم و تکنولوژی، تحولات بسیار عظیم روی داده، حتی گاهی این سازمانها در فن آوری پیشتاز دیگران هستند، عمل به تکلیف احیاء فریضه جهاد و دفاع از نوامیس دینی، کشور، جان و مال مسلمانان بدون برپایی حکومتی مقتدر که در سازماندهی، پشتیبانی، تامین مالی و آموزش مجاهدان سرمایه گذاری لازم را بنماید، امکان پذیر نیست.

7 ـ نظام گسترده قضا در اسلام

سیستم قضایی اسلام، یکی از گسترده ترین نظامهایی است که در این دین مطرح شده است.

وجود مجموعه قوانین حقوقی، جزایی، آئین دادرسی، حدود، دیّات و قصاص موجب تالیف دهها کتاب فقهی در این زمینه شده است. فقهای عالیقدر اسلام از شیعه و سنی از آغاز تدوین فقه بخشی از تالیفات خود را به آن اختصاص داده اند و در سراسر کشورهای اسلامی کم و بیش به آن عمل می کرده اند.

حتی در کشورهایی که حکومت اسلامی بر قرار نبوده و دین را از سیاست جدا می دانسته اند، یکی از منابع مهم حقوقی برای تهیه مجموعه های قانون، کتب فقهی فقها و حقوق اسلام بوده است.

وجود این میراث غنی و گسترده در زمینه قضا در فقه اسلامی و لزوم پیاده کردن آن در جامعه مسلمین، نیاز به وجود یک حکومت مقتدر اسلامی دارد که در اجرای عدالت و رسیدن به جامعه فاضله به این احکام عمل نماید.

8 ـ تکامل فردی و اجتماعی انسانها

یکی از اهداف بعثت پیامبران الهی، تربیت انسانها، تکامل روحی و معنوی آنان، گسترش علم و دانش و شکوفا شدن استعدادهای خدادادی در وجود ابناء بشر است.

این مهم در آیات بسیاری از قرآن مجید و نیز سخنان پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم صلوات ا اجمعین بیان شده است:

هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْامِّیِّینَ رَسُولًا مِّنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَهَ وَان کَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (سوره جمعه: 2).

او کسی است که در بین مردم امّی پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات خدا را بر آنان بخواند، آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت آموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بوده اند.

امیرمؤمنان علی ابی طالب علیه السلام در اولین خطبه نهج البلاغه در بیان فلسفه بعثت انبیاء می فرماید:

فبعث فیهم رسله، وواتر الیهم انبیاءه، لیستادوهم میثاق فطرته ویذکروهم منسی نعمته، ویحتجوا علیهم بالتبلیغ، ویثیروا لهم دفائن العقول.

پس آنگاه خدای سبحان رسولان خود را در میان آنان برانگیخت و پیمبران خود را با فاصله به سوی آنان فروفرستاد تا ادای پیمان فطرت حق را از آنان بخواهند و نعمتهای فراموش شده او را به آنان یاد آور شوند و به برهان و حجت تبلیغ شان کنند و گنجینه های پنهان عقول را برایشان برانگیزند.

بامراجعه به کتاب خدا و سنّت پیامبر و دقّت در میراث روایی عظیمی که از اولیاء دین به ما رسیده، بدون اغراق می توان ادعا کرد که اسلام در وهله اول یک مکتب تربیتی انسان ساز است. وکلیه برنامه های عبادی، اخلاقی، قضایی و نیز روشی که پیامبر و اولیاء دین، در برخورد بامردم داشته اند، همه در این جهت بوده و هدف بیدار کردن فطرت انسانها و ارشاد آنان به کمال مطلوب علمی، اخلاقی و معنوی بوده است:

... رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنک رَحْمَهَ وَهَیِّئْ لَنَا مِنْ امْرِنَا رَشَدًا (سوره کهف: 10).

پروردگارا از سوی خویش به ما رحمتی عطاکن و برای ما وسیله رشد کامل مهیا فرما. این هدف مهم زمانی به طور کامل تحقق می یابد که ابزار و وسایل مهیا بوده و زمینه های کار در دست اولیاء دین باشد.

سیستم آموزش هر کشور، دبستان، دبیرستان، دانشگاهها، دستگاههای تبلیغاتی،

رادیو، تلویزیون و روزنامه ها، نهادهای فرهنگی، هنری مثل سینما، تاتر و امثال آن امروزه مهمترین ابزار و اهرمهایی هستند که در شکل دهی اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی جامعه اثر تعیین کننده دارند. ودر همه جای دنیا در اختیار دولتها و حکومتها هستند. و اداره آنها نیاز مند تشکیلات، سازماندهی و بودجه عظیمی است که از عهده سازمانهای غیر دولتی بر نمی آید.

بدون تشکیل حکومت اسلامی و در اختیار گرفتن همه این امکانات، رسالت عظیمی که اسلام در جهت ایجاد تحول فکری و فرهنگی بر عهده دارد، و اهداف بلندش در بیدار کردن وجدان انسانها و شکوفا کردن استعدادها تامین نخواهد شد.

اداره دستگاههای آموزشی، فرهنگی و تبلیغی توسط دولتهای غیر اسلامی حاصلی جز آنچه در دنیای امروز مشاهده می کنیم، در بر نخواهد داشت.

تعداد مسلمانان هر چند بیش از یک میلیارد بر آورد می شود، اما چه تعداد از آنان عامل به دین و تکامل یافته هستند. چرا اینهمه عقب ماندگی و انحطاط بر دنیای اسلام حاکم است؟ چرا جوامع اسلامی تا این حد تحت تاثیر سیاستهای استعماری بیگانگان هستند و تمامی منابع ثروت آنها به یغما می رود؟ چرا و چرا؟

آیا علت این نیست که نسلهای مسلمان تربیت اسلامی نمی شوند؟ همه ابزارهای فرهنگی، تبلیغی و آموزشی و نیز دستگاههای مربوطه از دبستان و دبیرستان و دانشگاه، رادیو و تلویزیون، کتب و مجلات و... همه در دست غربزدگان و دولتهای وابسته است؟ و فقدان برنامه ریزی و سیاستگزاری اسلامی چنین بلایی به سر ما آورده است؟

واقعا جای عبرت است در جمهوری اسلامی ایران، با آنهمه گرفتاریها، دشمنیها، جنگ و محاصره و... صرف

اینکه فکر و برنامه اسلامی حاکم است و تحت پرچم پر افتخار لا اله الا ا مردم زندگی می کنند و دولت تشکیل داده اند، در همین

دهه اخیر چه گامهای بلندی در راه استقلال وخود کفایی برداشته شده و استعدادهای درخشان

جوانان در تربیت اسلامی شکوفا شده و به بار نشسته است. از افتخارات جهانی که در رشته های مختلف علمی نصیب جوانان ما شده، تا رشد و پیشرفتی که در علوم مختلف قرآنی و اسلامی بدان دست یافته ایم. آیا در هیچ جای دیگر دنیای اسلام حافظ 5 ساله قرآن با این مشخصات و ویژگیها می توان یافت؟ و... به هر حال وجود هدف بلندی چون تعلیم و تربیت و برنامه ریزی جهت شکوفایی استعدادها و رساندن مردم به تکامل فردی و اجتماعی نیازمند تشکیل حکومتی است مکتبی و قرآنی که تسهیلات لازم را در این راه به وجود آورد.

9 ـ تامین امنیّت و صلح

صلح و امنیت از اولین نیازهای هر انسانی است، و هر کس در زندگی خویش خواهان آن است. بدون وجود آرامش و امنیت در جامعه کار، تحصیل، امرار معاش عبادت و خود سازی با مشکل جدی روبرو خواهد بود. در قرآن مجید خداوند متعال آنرا یکی از نعمتهای خویش دانسته و بر قبیله قریش منّت می نهد:

فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ * الَّذِی اطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ (سوره قریش: 3 ـ 4).

باید خداوند این خانه را عبادت کنند، همانکس که آنان را از گرسنگی نجات داده و از ترس به امنیتشان رسانده است.

و نیز می فرماید: یَاایُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ ادْخُلُواْ فِی السِّلْمِ کَآفَّه وَلاَ تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ انَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ (سوره بقره: 208).

ای کسانی که ایمان آوردید همگی از در صلح و آرامش در آیید.

و در دعای حضرت ابراهیم می خوانیم:

﴿وَاذْ قَالَ ابْرَاهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ اهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ قَالَ وَمَن کَفَرَ فَامَتِّعُهُ قَلِیلاً ثُمَّ اضْطَرُّهُ الَی عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ﴾ (سوره بقره: 126).

خدایا این شهر را امن قرارده و ساکنانش را از میوه ها روزی گردان.

ـ(337)ـ

وبه مؤمنان وعده امنیت می دهد:

﴿وَعَدَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الارْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ امْنًا یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا وَمَن کَفَرَ بَعْدَ ذَلِکَ فَاوْلَئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (سوره نور: 55).

خداوند به کسانی از شما بندگان که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و عده فرمود که در زمین خلافت دهد چنانکه به امم صالح قبل از آنان خلافت بخشید و دین پسندیده آنان را بر همه ادیان غلبه داده و پس از خوف و ترس به آنان امنیت کامل عطا کند.

این امنیت در سایه اسلام برای همه مسلمانان و نیز غیر مسلمانانی که در پناه اسلام زندگی می کند، علی السویه باید تامین شود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در زمان حکومتش وقتی شنید در سرحدات کشورش خلخال از پای یک زن یهودی و اهل ذمه در آورده اند سیلی به صورتش نواخت و فرمود: اگر کسی از این غصه دق کند جا دارد و نباید او را سرزنش کرد.

کلمه اسلام و ایمان هم از سلم و امن مشتق است که به معنای آرامش و امنیت است.

رسیدن به امنیت کامل در جامعه اسلامی و مبارزه با عوامل نا امنی، هرج و مرج دزدی، غارتگری و دفع دشمنان داخلی و خارجی تنها در سایه حکومت مقتدر اسلامی امکان پذیر است که با اتخاذ سیاستهای مناسب و اجرای حدود، دیات، قصاص و سایر قوانین جزایی، با عوامل نا امنی داخلی، وبا اعلان جهاد عمومی، آمادگی دائمی و عمل به آیه شریفه ﴿وَاعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّه﴾ با دشمنان خارجی مبارزه کند.

10 _ همبستگی و اتحاد مسلمانان

سخن از وحدت و اتحاد مسلمانان بسیار گفته شده است. اسلام دین توحید در عقیده و جهان بینی و وحدت در جامعه اسلامی است و به قول مرحوم علامه کاشف الغطاء: «بنی الاسلام علی دعامتین کلمه التوحید وتوحید الکلمه»، این وحدت دارای ابعاد بسیاری است که همه عرصه های زندگی اجتماعی مسلمانان را شامل می شود:

وحدت عاطفی - وحدت سیاسی - وحدت اجتماعی - وحدت در هدف، وحدت در برابر دشمنان و... پیچیدگیهای دنیای سیاست و تاثیر گذاری آن بر جهت گیری فکری، فرهنگی و عاطفی انسانها بیانگر آن است که مردان علم و دین و مصلحان دلسوز و دردمند، تا زمانی که برای رسیدن به اهداف و آرمانهای بلند و وحدت گرایانه خویش شیوه اجرایی مناسبی را تدارک نبینند، راه به جایی نخواهند برد. ایجاد وحدت، همبستگی و همدلی بین میلیونها انسان و گرد آوردن آنها حول یک محور پر جاذبه همراه با مقابله با ترفندهای تفرقه افکنانه دشمنان قسم خورده، نیازمند قدرت اجرایی مناسب است که تنها می تواند در چارچوب «حکومت اسلامی»، تحقق یابد.

مروری بر تاریخ گذشته مسلمانان و مطالعه زندگی مصلحان یک قرن اخیر از سید جمال الدین اسد آبادی و شاگردش شیخ محمد عبده تا علامه اقبال لا هوری، سیّد شرف الدین و آیت ا بروجردی که همه از پویندگان راه و حدت و اتحاد بودند، نشان می دهد هیچیک به هدف و آرمان خویش، دست نیافتند و در هیچ گوشه ای از دنیای اسلام مسلمانان را باهم متحد نکردند. اما رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران با تاسیس «حکومت» در زیر سایه اسلام و دست یابی به قدرت اجرایی، شعار و حدت و همبستگی را در سراسر دنیای اسلام سرداده مسلمانان را جذب آن کرد و در کشور «جمهوری اسلامی ایران» هم بین برادران شیعه و سنی وحدت و همدلی را حکم فرما

کرد.

تلک عشرة کامله، ده اصل از اصول نظری و تئوریک جهت برپایی حکومت اسلامی در این مقاله مختصر توضیح داده شد. البته نویسنده در پی تتبع همه مبانی و اصول نبوده، مسلما می توان اصول دیگری بر این افزود. ولی به طور کلی باید فرمایش رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره) را یاد آور شویم که در کتاب شریف «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» می فرمایند: ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد». واگر امروزه ناچاریم برای اثبات لزوم تشکیل حکومت اسلامی و اجرای کلیه قوانین و مقررات سیاسی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی و حقوق اسلام اقامه دلیل کنیم به خاطر وجود دو دسته از مسلمانان در بین خودمان است:

1 ـ عده ای مقدس نمای متحجر و کوته فکر، که شان اسلام و اولیای آن را بالاتر از این می دانند که در امور سیاسی و حکومتی دخالت کنند. اینان اسلام را همان نماز و روزه و دعا و توسل و مناجات می دانند و مسلمانی را صالح، مؤمن و شایسته می دانند که صابون را از قالب پنیر تشخیص ندهد.

بحمد ا ستاره این دسته در جوامع اسلامی روبه افول است و به برکت انفاس قدسیه امام خمینی (ره) موج بیداری اسلامی همه دنیا را فراگرفته و نسلهای جوان انقلابی عرصه ای برای عرض اندام باقیمانده های متحجرین و واپس گرایان باقی نگذاشته اند.

2 ـ عده ای به ظاهر مسلمان روشنفکرنما که دل در گرو ارزشهای غربی نهاده اند و شعار آزادی و دموکراسی می دهند. اینان ممکن است ادعای عرفان، فلسفه و تدین هم بکنند ولی از نظر فکری به نوعی سکولاریسم و جدایی دین از سیاست معتقدند.

به نظر اینان اسلام نه برای اداره دنیا بلکه تنها برای آبادکردن آخرت مؤمنان آمده و تمشیت امور دنیوی را به دست عقل وخرد و علم و تکنولوژی سپرده است. این گروه با چشم پوشی کردن از همه آیات، روایات، سنت و سیره اولیاء دین بر عقیده غلط و فکر باطل خویش پای می فشارند و با خودباختگی در مقابل غرب و شعارهای روشنفکرانه اش در کمین ایمان و عقیده نسل جوان، مخصوصاً تحصیلکردگان نشسته

اند. البته خطر این گروه بیش از گروه اول است. زبان این گروه را باید شناخت و نقاط منفی افکارشان را دریافت و با منطق واستدلال با آنان مقابله کرد.